



Futures Studies of the Influential Factors on the Identity of Tehranian Adolescents with Emphasis on Cyberspace, Family, and School

Saeid gholami , PhD in Iranian Sociology, Kashan University, Kashan, Iran.
Email: saeidgholami24@yahoo.com.

Abstract

In the digital age, cyberspace has become a dominant arena for the construction and redefinition of adolescent identity, while traditional institutions such as family and school struggle to adapt to its disruptive influence. This study employs Causal Layered Analysis (CLA) and a futures studies approach to examine the multi-layered dynamics shaping the identity of Tehran's adolescents at the intersection of family, school, and digital environments. Data were collected through 18 in-depth interviews with adolescents, parents, teachers, and counselors, analyzed across CLA's four layers: litany, systemic causes, discourse/worldview, and metaphor/myth.

At the litany level, dominant narratives reflect parental anxieties and alarmist portrayals of moral decline. Structurally, deficiencies in the educational system and family digital illiteracy exacerbate adolescents' identity-related vulnerabilities. Discursively, a tension exists between adult-centered narratives of control and adolescents' discourses of digital autonomy and self-expression. Metaphorically, archetypes such as "the adolescent as a digital explorer," "school as an abandoned fortress," and "family as a lantern in the fog" reveal deep-seated cultural unconsciousness and generational divides.

The study proposes three future scenarios: continued divide (status quo persistence), minimal adaptation (superficial institutional adjustments), and institutional-discursive transformation (systemic and cultural innovation). To foster resilient adolescent identity formation, the study emphasizes re-narration strategies, institutional empowerment, and cultural policy innovation. This research provides a theoretical and practical framework for understanding adolescent identity evolution in Iran and offers strategic insights for educational and cultural interventions.

Keywords: Keywords: Cyberspace, Identity, Adolescent, Family, School, Futures Studies.



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



آینده‌پژوهی عوامل مؤثر بر هویت نوجوان تهرانی با تأکید بر فضای مجازی، خانواده و مدرسه

سعید غلامی^۱

چکیده

در عصر دیجیتال، فضای مجازی به بستر اصلی بازنمایی و بازتعریف هویت نوجوانان بدل شده است، درحالی که نهادهای سنتی همچون خانواده و مدرسه همچنان درگیر پاسخ‌گویی به چالش‌های ناشی از این تحول‌اند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل لایه‌ای علی و رویکرد آینده‌پژوهی، به واکاوی سطوح گوناگون تحولات هویتی نوجوانان تهرانی در تقاطع سه نیروی کلیدی- خانواده، مدرسه و فضای مجازی- می‌پردازد. داده‌ها از طریق ۱۸ مصاحبه عمیق با نوجوانان، والدین، معلمان و مشاوران گردآوری شده و در چهار سطح لیتانی، ساختاری، گفتمانی و استعاری تحلیل شده‌اند. نتایج نشان می‌دهند که در سطح لیتانی، گفتمان غالب معطوف به اضطراب والدین و روایت‌های هشدارآمیز درباره زوال ارزش‌هاست؛ در سطح ساختاری، نارسایی نظام آموزشی و ضعف سواد رسانه‌ای خانوادگی، نوجوانان را در معرض بحران‌های هویتی قرار داده است؛ در سطح گفتمانی، شکاف میان رویکردهای مراقبت‌محور بزرگسالان و گفتمان خودابرازی دیجیتال نوجوانان برجسته است؛ و در نهایت در سطح استعاری، نمادهایی چون «نوجوان کاوشگر دیجیتال»، «مدرسه به مثابه قلعه متروک» و «خانواده چون چراغی در مه»، بازتابی از ناخودآگاه فرهنگی و شکاف بین نسلی‌اند. این پژوهش با ترسیم سه سناریوی آینده‌نگر شامل «تداوم شکاف»، «تطابق حداقلی» و «بازتعریف نهادی و گفتمانی»، تأکید می‌کند که بازسازی روایت‌ها، توانمندسازی نهادهای تربیتی و بازمهندسی سیاست‌های فرهنگی برای ارتقاء هویت‌سازی نوجوانان در جهان مجازی ضروری است. یافته‌ها چارچوبی نظری- کاربردی برای تحلیل آینده هویت نوجوانان ایرانی ارائه می‌دهند و بستر مناسبی برای مداخلات آموزشی، فرهنگی و سیاست‌گذاری فراهم می‌کنند.

واژگان کلیدی

فضای مجازی، هویت، نوجوان، خانواده، مدرسه، آینده‌پژوهی.

مقدمه

در عصر کنونی، فضای مجازی به یکی از اصلی‌ترین عرصه‌های زیست روزمره نوجوانان بدل شده است. ورود فناوری‌های ارتباطی نوین، ساختارهای سنتی جامعه ایرانی را با دگرگونی‌های بنیادین مواجه ساخته و پیامدهایی پیچیده برای نهادهایی چون خانواده و مدرسه در پی داشته است. نوجوانان امروز دیگر صرفاً تحت تأثیر محیط فیزیکی خانوادگی و مدرسه‌ای قرار ندارند، بلکه در بستری مجازی و جهانی به تعامل، یادگیری، شکل‌گیری ارزش‌ها و حتی خودسازی می‌پردازند. این دگرگونی نه تنها ساختار جامعه را تغییر داده بلکه روند اجتماعی‌شدن و شکل‌گیری هویت را نیز با چالش‌های اساسی مواجه کرده است (Castells, 2010).

مطالعات متعددی به تأثیر فضای مجازی بر شکل‌گیری هویت^۱ نوجوانان پرداخته‌اند. بنابر یافته‌های زیگمونت باومن^۲ (۲۰۰۱)، در دنیای متأخر مدرن، هویت به امری سیال و ناپایدار بدل شده است؛ وضعیتی که در فضای مجازی با شدت بیشتری بروز می‌یابد. نوجوانان در این فضا می‌توانند نسخه‌های متعددی از «خود» را بازنمایی کنند، ارزش‌ها و هنجارهایی متضاد را تجربه کنند و با گفتمان‌هایی مواجه شوند که گاه در تعارض مستقیم با آموزه‌های خانواده و مدرسه قرار دارند. در این زمینه، پژوهش حسن‌زاده و نجفی (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که نوجوانان ایرانی، به‌ویژه در شهرهای بزرگ، دچار نوعی شکاف ارزشی میان جهان واقعی و مجازی هستند؛ شکافی که موجب بروز نوعی بحران هویتی در نسل جدید شده است.

هم‌زمان با این تحولات، کارکرد نهادهای سنتی اجتماعی‌ساز چون خانواده و مدرسه نیز تضعیف شده است. خانواده دیگر تنها منبع اطلاعات و جامعه‌پذیری نوجوانان نیست و مدرسه نیز جایگاه انحصاری خود را در آموزش و انتقال ارزش‌ها از دست داده است (Giddens, 2002). پژوهش رضایی و همکاران (۱۴۰۰) نشان می‌دهد که بسیاری از والدین در مدیریت تربیتی فرزندان خود با چالش‌هایی جدی مواجه‌اند و نمی‌توانند با سرعت تحولات فناورانه هم‌گام شوند. مدرسه نیز با برنامه‌های آموزشی ایستا و سنتی، اغلب قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای نسل جدید نیست و همین امر موجب فاصله‌گیری تدریجی نوجوانان از آموزه‌های رسمی می‌شود.

یکی از مهم‌ترین نتایج این روند، گسترش مصرف‌گرایی دیجیتال و افزایش

1. Identity

2. Zygmunt Bauman

وابستگی نوجوانان به تأیید اجتماعی در فضای مجازی است. الگوریتم‌های پلتفرم‌های اجتماعی به گونه‌ای طراحی شده‌اند که افراد را به تولید مستمر محتوا و کسب «لایک»، «کامنت» و «بازنشر» تشویق می‌کنند (Van Dijk, 2013). در این فضا، نوجوانان خود را در آینده بازخوردهای مخاطبان می‌بینند و اعتبار اجتماعی‌شان را بر پایه میزان توجه عمومی ارزیابی می‌کنند. این وضعیت، نوعی هویت وابسته به بیرون خلق می‌کند که در آن ارزش فرد، نه از درون بلکه از میزان دیده‌شدن در فضای مجازی تعیین می‌شود (Turkle, 2011).

در این شرایط پیچیده، تحلیل صرفاً سطحی از مسئله کافی نیست. برای فهم عمیق تحولات هویتی نوجوانان در بستر تعامل خانواده، مدرسه و جهان مجازی، نیازمند روشی هستیم که بتواند ابعاد گوناگون پنهان و آشکار این پدیده را آشکار کند. تحلیل لایه‌ای علی^۱ یا (CLA) که نخستین بار توسط سهیل عنایت‌الله^۲ (۱۹۹۸)، معرفی شد، یکی از کارآمدترین ابزارهای آینده‌پژوهی کیفی در مواجهه با مسائل پیچیده اجتماعی است. این روش با چهار لایه تحلیلی - لیتانی، علل اجتماعی/ ساختاری، گفتمانی/ جهان‌بینی و اسطوره‌ای/ استعاری - امکان می‌دهد تا مسئله نه تنها در سطح عینی بلکه در سطح عمیق‌تر گفتمان‌ها و باورهای بنیادی نیز بررسی شود.

در لایه لیتانی، تحلیل به توصیف داده‌های قابل مشاهده و اخبار جاری محدود می‌شود. برای مثال، آماری که از افزایش زمان حضور نوجوانان در فضای مجازی یا افت عملکرد تحصیلی آنان ارائه می‌شود، در این لایه قرار دارد (نیازی، ۱۴۰۲)؛ اما در لایه دوم که به تحلیل علل ساختاری- اجتماعی می‌پردازد، توجه به عواملی نظیر نابرابری دیجیتال، ضعف سیاست‌های آموزشی و بحران‌های خانوادگی اهمیت می‌یابد. در لایه سوم، تحلیل به بررسی گفتمان‌ها و جهان‌بینی‌هایی می‌پردازد که این تحولات را جهت‌دهی می‌کنند. برای مثال، گفتمان مصرف‌گرایانه یا ایدئولوژی فردگرایی در فضای مجازی نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت ایفا می‌کنند (Fuchs, 2014). نهایتاً در لایه چهارم، استعاره‌ها و اسطوره‌های بنیادین درباره نوجوان، خانواده، مدرسه و آینده بازسازی می‌شوند.

مطالعات پیشین نیز کارایی روش CLA را در تحلیل مسائل اجتماعی تأیید کرده‌اند. برای نمونه، صیادی (۱۳۹۹) از این روش برای تبیین تحولات امر سیاسی در ایران استفاده کرده و نشان داده است که بدون درک استعاره‌ها و باورهای عمیق فرهنگی،

1. Causal Layered Analysis
2. Sohail Inayatullah

تحلیل مسائل سطحی و ناکارآمد خواهد بود. همچنین، پژوهشگران غربی مانند Milojević و (Bell, 2018) در تحلیل نظام آموزشی استرالیا از CLA بهره گرفته‌اند و توانسته‌اند افق‌هایی جدید برای سیاست‌گذاری آموزشی ترسیم کنند.

از آنجا که جهان مجازی نه تنها بُعد فناورانه بلکه بُعد فرهنگی و گفت‌وگویی بسیار پیرنگی دارد، استفاده از روش CLA برای فهم تأثیر آن بر هویت نوجوان ایرانی کاملاً منطقی است. درواقع، نوجوان ایرانی در این فضا با گفتمان‌های جهانی مواجه می‌شود که ممکن است با ارزش‌های فرهنگی و آموزشی خانواده و مدرسه در تضاد باشند. این تضاد گاه به شکل کشمکش‌های درونی بروز می‌کند و در مواردی نیز به طغیان، انزوا یا سردرگمی هویتی می‌انجامد. از این رو، مسئله‌ی موردبررسی نه تنها یک مسئله جامعه‌شناسی آموزش، بلکه موضوعی بین‌رشته‌ای در پیوند با روان‌شناسی رشد، مطالعات فرهنگی، فناوری و آینده‌پژوهی است.

مقاله حاضر در تلاش است تا با بهره‌گیری از روش تحلیل لایه‌ای علی^۱، تعامل بین سه نیروی مهم در زندگی نوجوان ایرانی - یعنی خانواده، مدرسه و جهان مجازی - را در فرآیند شکل‌گیری هویت بررسی کند. هدف اصلی این پژوهش، فراتر رفتن از تحلیل‌های سطحی و آماری و رسیدن به درکی چندلایه از مسیری است که هویت نوجوانان در آن شکل می‌گیرد، دگرگون می‌شود یا حتی به بحران می‌رسد. امید است که این تحلیل بتواند نوری بر مسیر سیاست‌گذاری تربیتی آینده در ایران بتابد.

در سال‌های اخیر، گسترش سریع فناوری‌های دیجیتال و ورود گسترده اینترنت به زندگی روزمره، به‌ویژه در میان نوجوانان، تحولات عمیقی در فرایندهای شکل‌گیری هویت ایجاد کرده است. نوجوانان ایرانی، در مرز میان سنت و مدرنیته، با فضایی مواجه‌اند که نه تنها ویژگی‌های جدیدی از هویت فردی و اجتماعی را به چالش می‌کشد، بلکه نهادهای اجتماعی بنیادینی چون خانواده و مدرسه را در مواجهه با این تحولات قرار داده است. این تحولات پیچیده، نشان‌دهنده یک بحران هویتی است که با الگوهای پیشین جامعه‌پذیری همخوانی ندارد و نیازمند بررسی عمیق‌تری است (ملکی‌زاده و شاهی، ۱۴۰۱؛ Bauman, 2000).

فضای مجازی به عنوان محیطی چندوجهی، فرصت‌های گسترده‌ای برای تعامل، یادگیری و ابراز وجود فراهم می‌آورد، اما در عین حال مخاطراتی از جمله تضعیف انسجام خانواده، تغییر در ساختارهای ارتباطی و شکل‌گیری الگوهای رفتاری متفاوت

را نیز به همراه دارد (boyd, 2014؛ حسینی و کاظمی، ۱۳۹۹). نوجوانان در این بستر، هویت خود را نه تنها از طریق بازتاب رفتارهای درون خانواده و مدرسه، بلکه از طریق فضای تعاملی مجازی و شبکه‌های اجتماعی شکل می‌دهند که غالباً با هنجارهای محلی و فرهنگی تعارض دارد.

در خانواده‌های ایرانی که از دیرباز کانون اصلی انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بوده‌اند، مواجهه با فناوری‌های نوین چالش‌های فراوانی ایجاد کرده است. والدین به دلیل کمبود دانش دیجیتال و ناتوانی در کنترل محتوای مجازی، اغلب از فرزندان خود عقب می‌مانند و این امر به کاهش کارآمدی خانواده در نقش تربیتی منجر می‌شود (Livingstone & Helsper, 2008؛ موسوی و فراهانی، ۱۴۰۰).

در مدرسه نیز، نظام آموزشی سنتی و محدودیت‌های برنامه درسی با نیازهای جدید هویتی نوجوانان ناسازگار است و دانش‌آموزان را در وضعیت تردید هویتی قرار می‌دهد (کریمی‌پور، ۱۴۰۲؛ Helsper & Eynon, 2013).

از سوی دیگر، نوجوانان با توجه به دسترسی گسترده به شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای دیجیتال، در فرایند شکل‌گیری هویت خود از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی عبور می‌کنند و در فضایی چندفرهنگی و چندهویتی فعالیت می‌کنند که ویژگی‌های آن هنوز برای بسیاری از نهادهای سنتی جامعه نامفهوم است (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۸؛ boyd, 2014). این وضعیت، گسست عمیقی میان نسل‌ها ایجاد کرده و سؤالات مهمی درباره آینده هویت و انسجام اجتماعی در ایران به وجود آورده است. با توجه به چندبعدی بودن این مسئله و تعامل پیچیده عوامل فردی، خانوادگی، آموزشی و فناوری، تحلیل صرفاً اقتصادی، روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی نمی‌تواند به تبیین همه‌جانبه این پدیده کمک کند. ازاین‌رو، رویکرد تحلیل لایه‌ای علی (CLA) به‌عنوان یک روش آینده‌پژوهی چندسطحی، امکان بررسی عمیق‌تر و چندبعدی این موضوع را فراهم می‌آورد تا بتوان لایه‌های مختلف از ساختارهای اجتماعی تا گفتارها و استعاره‌های بنیادین را مورد واکاوی قرار داد (محمدی، ۱۴۰۱؛ Ramos, 2013).

مسئله اصلی این پژوهش آن است که: چگونه تعامل و تقابل میان خانواده، مدرسه و فضای مجازی، فرایند شکل‌گیری هویت نوجوانان ایرانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و چه چشم‌اندازهایی برای آینده هویت نوجوان در ایران متصور است؟ درک این مسئله می‌تواند به طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های مؤثر برای نهادهای تربیتی کمک کند تا با تحولات دیجیتال سازگار شوند و نقش مؤثری در هویت‌سازی نوجوانان ایفا نمایند.

پیشینه پژوهش

تحولات فناورانه در دهه‌های اخیر، به‌ویژه ظهور فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، باعث شده است تا فرایندهای هویت‌یابی نوجوانان با چالش‌ها و فرصت‌های نوینی مواجه شود. این پدیده که در سطح جهانی جریان دارد، در جامعه ایران به دلیل ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی خاص، ابعاد متفاوت و پیچیده‌تری یافته است. در این راستا، پژوهش‌های متعددی به بررسی اثرات فضای مجازی بر نوجوانان، نقش خانواده و مدرسه در این بستر و پیامدهای هویتی این تعامل پرداخته‌اند که در ادامه به‌مرور مهم‌ترین مطالعات و یافته‌های آن‌ها می‌پردازیم.

۱. نقش خانواده در شکل‌گیری هویت نوجوانان در فضای مجازی. مطالعات متعدد نشان داده‌اند که خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی، نقشی کلیدی در فرایند هویت‌سازی نوجوانان دارد و مواجهه خانواده با فضای مجازی تعیین‌کننده میزان موفقیت یا شکست در تربیت نوجوانان است. به‌عنوان مثال، موسوی و فراهانی (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان «چالش‌های خانواده ایرانی در مواجهه با فناوری‌های نوین» اشاره کردند که کمبود دانش دیجیتال والدین و عدم آگاهی کافی از فضای مجازی باعث شده است که کنترل و هدایت نوجوانان در این فضا با مشکلات جدی مواجه شود. آن‌ها بر ضرورت آموزش والدین برای افزایش سواد دیجیتال تأکید کردند تا خانواده‌ها بتوانند به‌عنوان یک سپر حفاظتی در برابر آسیب‌های فضای مجازی عمل کنند.

همچنین، پژوهش حسینی و کاظمی (۱۳۹۹) در «نقش خانواده در مدیریت استفاده نوجوانان از فضای مجازی» تأکید می‌کند که روش‌های تربیتی سنتی خانواده‌ها در بسیاری از موارد پاسخگوی نیازهای تربیتی در فضای مجازی نیست و لازم است خانواده‌ها مهارت‌های ارتباطی جدید و روش‌های تربیتی متناسب با فضای دیجیتال را بیاموزند. آن‌ها همچنین به اهمیت تعامل مثبت بین والدین و نوجوانان در کاهش پیامدهای منفی فضای مجازی اشاره کردند.

مطالعه فرهادپور و همکاران (۲۰۲۲) که به بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و هویت دیجیتال نوجوانان پرداخته، نشان داده است که سبک‌های فرزندپروری دموکراتیک و حمایت‌گرایانه موجب شکل‌گیری هویتی متعادل و سازگارتر در فضای مجازی می‌شود، درحالی‌که سبک‌های مقتدرانه یا بی‌توجه، زمینه‌ساز مشکلات هویتی و اختلال در تعاملات اجتماعی نوجوانان می‌گردد.

۲. نقش مدرسه و نظام آموزشی در مواجهه با جهان مجازی

نقش مدرسه و نظام آموزشی نیز به عنوان دومین نهاد اجتماعی مهم در شکل‌گیری هویت نوجوانان، در بستر فضای مجازی مورد توجه قرار گرفته است. کریمی‌پور (۱۴۰۲) در پژوهش خود با عنوان «نقش مدرسه در تقویت هویت نوجوانان در عصر دیجیتال» به این نکته اشاره کرده است که ساختار سنتی نظام آموزشی ایران با تغییرات سریع فناوریانه هماهنگ نیست و اغلب برنامه‌های درسی و روش‌های آموزشی قدیمی، جذابیت لازم برای نوجوانان نسل دیجیتال را ندارند. به گفته او، عدم تطابق نظام آموزشی با نیازهای روانی و اجتماعی نوجوانان، موجب فاصله گرفتن آن‌ها از مدرسه و گسست هویتی می‌شود. مطالعات بین‌المللی نیز بر اهمیت آموزش مهارت‌های رسانه‌ای و سواد دیجیتال در مدارس تأکید دارند. براساس پژوهش Eynon و Helsper (۲۰۱۳)، ادغام آموزش سواد دیجیتال در برنامه‌های درسی می‌تواند به نوجوانان کمک کند تا به‌طور آگاهانه و سالم از فضای مجازی بهره‌برند و هویت دیجیتال مثبت‌تری شکل دهند. افزون بر این، بوید (۲۰۱۴) در کتاب خود «زندگی پیچیده نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی» تأکید می‌کند که مدرسه باید نقش فعالی در آموزش رفتارهای ایمن، اخلاق دیجیتال و مدیریت هویت آنلاین ایفا کند.

۳. تأثیر فضای مجازی بر هویت نوجوانان

فضای مجازی با ویژگی‌های خاص خود، موجب تغییرات بنیادین در شکل و ساختار هویت نوجوانان شده است. پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند که نوجوانان در فضای مجازی هویت چندگانه و سیال‌تری نسبت به گذشته دارند و این موضوع می‌تواند هم فرصت و هم تهدید تلقی شود. اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان «هویت چندلایه نوجوانان در فضای مجازی» بیان کرده‌اند که نوجوانان با بهره‌گیری از امکانات فضای مجازی، هویت‌های متنوعی می‌سازند که با هویت‌های سنتی و رسمی جامعه در تناقض است و این امر موجب تنش‌ها و تعارضات هویتی می‌شود.

مطالعه‌ی محمدی (۱۴۰۱) با رویکرد آینده‌پژوهی نشان می‌دهد که فضای مجازی می‌تواند بستر شکل‌گیری هویت‌های نوین و فرافرهنگی باشد که به تدریج ساختارهای سنتی هویت را به چالش می‌کشند و موجب ظهور هویت‌های منعطف، چندبعدی و پیوسته در تغییر می‌شوند. این روند در عین حال که فرصت‌های تازه‌ای برای ابراز وجود و خلاقیت فراهم می‌آورد، تهدیداتی چون گسست فرهنگی، انزوا و آسیب‌های روانی را نیز به همراه دارد.

از منظر جامعه‌شناسی، مفهوم «هویت سیال» که زیگمونت باومن (۲۰۰۰) آن را مطرح کرده، به‌خوبی نشان می‌دهد که هویت در دنیای معاصر و فضای مجازی، دیگر یک امر ثابت و مستحکم نیست، بلکه در حال تغییر و تحول مداوم است. این نظریه به‌ویژه در تحلیل وضعیت نوجوانان ایرانی که در تقابل میان سنت‌های محلی و جهانی شدن فضای مجازی هستند، کاربرد دارد.

۴. رویکرد تحلیل لایه‌ای علی (CLA) در بررسی موضوع

برای فهم پیچیدگی‌های رابطه خانواده، مدرسه و فضای مجازی در شکل‌گیری هویت نوجوانان، استفاده از روش‌های تحلیل چندلایه و چندبعدی ضرورت دارد. عنایت‌الله (۱۹۹۸) روش تحلیل لایه‌ای علی را به‌عنوان ابزاری قوی برای آینده‌پژوهی معرفی کرده است که امکان بررسی عمیق سطوح مختلف مسئله را فراهم می‌کند؛ از داده‌های سطح سطحی و شواهد عینی تا تحلیل ساختارهای اجتماعی، گفتمان‌های غالب و استعاره‌ها و نمادهای بنیادین.

در پژوهش‌های داخلی، محمدی (۱۴۰۱) با استفاده از روش CLA، آینده‌پژوهی آموزش و پرورش را مورد مطالعه قرار داده و نشان داده است که این رویکرد می‌تواند نگاهی جامع به تأثیر فناوری‌های نوین بر ساختارهای اجتماعی و هویتی ارائه دهد و راهکارهای سیاست‌گذاری بهتری ارائه کند.

از سوی دیگر راموس^۱ (۲۰۱۳) نشان داده است که CLA به پژوهشگران امکان می‌دهد که لایه‌های مختلف مسائل اجتماعی را شناسایی کنند و بر اساس آن چشم‌اندازهای متفاوتی برای آینده ترسیم نمایند. این قابلیت در موضوع پیچیده هویت نوجوان در فضای مجازی که تحت تأثیر چندین نهاد و نیرو قرار دارد، بسیار حائز اهمیت است.

پژوهش‌های متعددی که در حوزه تأثیر فضای مجازی بر هویت نوجوانان و نقش خانواده و مدرسه انجام شده، نشان می‌دهد که تغییرات سریع فناوری‌های دیجیتال یک بحران هویتی و درعین‌حال فرصتی برای بازتعریف هویت ایجاد کرده است. خانواده و مدرسه، به‌عنوان نهادهای سنتی جامعه‌پذیری، در شرایط کنونی نیازمند بازنگری و تطبیق با ویژگی‌های فضای مجازی هستند تا بتوانند نقش مؤثری در حمایت و هدایت نوجوانان ایفا کنند.

همچنین، فضای مجازی باعث شده نوجوانان هویت‌های چندلایه، سیال و چندبعدی بسازند که هم فرصت‌های تازه برای خلاقیت و ابراز وجود فراهم می‌کند و هم خطرات روانی و اجتماعی را به دنبال دارد. برای تحلیل چنین پدیده پیچیده‌ای،

روش‌هایی مانند تحلیل لایه‌ای علی (CLA) که امکان بررسی چندسطحی و ژرف‌نگر مسائل را فراهم می‌آورد، بسیار مناسب و کاربردی است. با توجه به این پیشینه، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش CLA تلاش می‌کند تا رابطه پیچیده خانواده، مدرسه و فضای مجازی را در شکل‌گیری هویت نوجوان ایرانی به صورت چندلایه و آینده‌نگر بررسی کند و چشم‌اندازهای مختلف این فرایند را پیش‌بینی نماید.

چارچوب نظری

هویت، به‌عنوان یکی از مفاهیم بنیادین علوم اجتماعی، همواره موضوع بحث و پژوهش‌های گسترده‌ای بوده است. این مفهوم پیچیده و چندوجهی، فرآیندی پویا و مستمر است که از تعامل فرد با محیط اجتماعی و فرهنگی خود شکل می‌گیرد و در دوره نوجوانی که گذار از کودکی به بزرگسالی است، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند (Erikson, 1968). نوجوانی مرحله‌ای است که فرد با چالش‌های متعدد هویتی مواجه می‌شود و در جستجوی تثبیت خود در جامعه و تعیین جایگاه خویش است (Marcia, 1980). در جامعه ایران، این فرآیند هویتی پیچیدگی‌هایی فراتر از ساختارهای متعارف اجتماعی دارد؛ چراکه نوجوانان در فضای تضاد میان سنت و مدرنیته رشد می‌کنند و این وضعیت تحت تأثیر جهانی‌شدن و نفوذ فناوری‌های دیجیتال، پیچیده‌تر شده است.

نقش خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی در شکل‌دهی هویت نوجوانان بسیار کلیدی است. خانواده، محل اصلی انتقال ارزش‌ها، فرهنگ و هنجارهاست و از طریق سبک‌های مختلف فرزندپروری و ارتباطات بین‌نسلی، بر سلامت روانی و هویتی نوجوانان اثرگذار است (Baumrind, 1991). در ایران، خانواده به دلیل نقش تاریخی و فرهنگی‌اش در حفظ ارزش‌های سنتی، معمولاً بر حمایت‌های عاطفی همراه با کنترل و محدودیت تأکید دارد. مطالعات نشان داده‌اند که خانواده‌های ایرانی با فقدان سواد دیجیتال و آگاهی نسبت به فناوری‌های نوین، نتوانسته‌اند به‌درستی با دنیای دیجیتال نوجوانان همراه شوند و این امر موجب شکاف نسلی و افزایش فاصله ارتباطی میان والدین و فرزندان شده است (Rahimi & Poormahmoudi, 2021). نوجوانان در این شرایط، به دنبال یافتن فضای پذیرنده‌تر در جهان مجازی هستند و همین امر زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت‌های چندگانه و گاه متعارض می‌شود که خانواده به دلیل عدم آگاهی و مهارت کافی، توان مدیریت آن را ندارد (Safi & Rahmani, 2020).

در کنار خانواده، مدرسه به عنوان دومین نهاد کلیدی در جامعه‌پذیری و تربیت اجتماعی نوجوانان مطرح است. مدرسه نه تنها فضایی برای آموزش رسمی بلکه محلی برای تعاملات اجتماعی و شکل‌گیری مهارت‌های فردی و اجتماعی است (Coleman & Hendry, 1999). نظام آموزشی در ایران، با وجود پیشرفت‌های کمی، از لحاظ کیفی به‌ویژه در زمینه آموزش مهارت‌های زندگی، سواد رسانه‌ای و مدیریت هویت دیجیتال، هنوز ناکافی است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که آموزش‌های کنونی فاقد برنامه‌های مدون و مؤثر برای مواجهه با چالش‌های فضای مجازی است و این خلا، نوجوانان را در برابر هویت‌سازی ناپایدار در فضای مجازی آسیب‌پذیر می‌کند (Ahmadi et al., 2022). نوجوانان به دلیل کمبود آموزش رسمی در مدیریت حضور دیجیتال، به سرعت درگیر هویت‌های متناقض و تعارض‌های هویتی می‌شوند.

فضای مجازی به واسطه ویژگی‌های منحصر به فردی همچون ناشناسی، قابلیت چندصدایی، امکان ساخت هویت‌های متعدد و آزادی بیشتر در بیان خویشتن، موقعیت تازه‌ای در هویت‌یابی نوجوانان ایجاد کرده است (Turkle, 2011). این فضا به نوجوانان اجازه می‌دهد تا هویت‌هایی را تجربه و امتحان کنند که در محیط واقعی امکان‌پذیر نیست؛ اما در مقابل، این آزادی همراه با ریسک‌هایی از جمله سردرگمی هویتی، انزوا و حتی بروز رفتارهای مخاطره‌آمیز است (Livingstone & Smith, 2014). در ایران، شرایط فرهنگی و اجتماعی باعث می‌شود که این مسئله پیچیده‌تر باشد؛ زیرا نوجوانان میان ارزش‌ها و انتظارات خانواده و مدرسه و فضایی که در فضای مجازی تجربه می‌کنند، تعارضات جدی را تجربه می‌کنند (Amini & Nazari, 2020).

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که نوجوانان تهرانی در فرایند شکل‌گیری هویت با آن مواجه‌اند، تعارض میان هویت‌های فرهنگی و هویت‌های ناشی از تجربه‌های اجتماعی جدید است. در این میان، مفهوم «هویت میان‌فرهنگی» (Intercultural Identity) می‌تواند چارچوبی مناسب برای تحلیل این وضعیت فراهم کند. هویت میان‌فرهنگی به حالتی از هویت گفته می‌شود که فرد به طور هم‌زمان متعلق به چند فرهنگ متفاوت است و در نتیجه با چالش تلفیق ارزش‌ها، باورها و رفتارهای متناقض فرهنگی روبرو می‌شود (Nguyen & Benet-Martínez, 2021). نوجوانان تهرانی که در خانواده‌های سنتی رشد می‌کنند اما در محیط شهری و تحت تأثیر فرهنگ جهانی شده و فضای مجازی قرار دارند، دقیقاً در این وضعیت میان‌فرهنگی قرار دارند. این وضعیت می‌تواند فرصت‌ساز رشد شخصی و گسترش دیدگاه‌های نو باشد، اما در عین حال،

می‌تواند منبع تعارضات هویتی و سردرگمی‌های روانی شود.

از سوی دیگر، پژوهش‌های اخیر در زمینه «هویت چندلایه»^۱ نشان داده‌اند که هویت نوجوانان معاصر دیگر یکپارچه و ثابت نیست، بلکه شامل لایه‌ها و ابعاد متعددی است که هر کدام در موقعیت‌های مختلف اجتماعی به شکلی متفاوت بروز می‌یابد (Smith & Silva, 2022). این هویت چندلایه، انعکاسی از تنوع محیط‌های فرهنگی، اجتماعی و دیجیتال است که نوجوان با آن‌ها در تعامل است. در نتیجه، نوجوانان ناچارند مهارت‌های پیچیده‌ای برای مدیریت هم‌زمان این هویت‌های متنوع در فضای خانواده، مدرسه و فضای مجازی کسب کنند. این فرایند، علاوه بر افزایش ظرفیت انطباق، می‌تواند فشار روانی و تعارض‌های درونی را نیز افزایش دهد، به‌خصوص در جامعه‌ای مانند ایران که هم‌زمان با فشارهای مدرن‌شدن و حفظ سنت‌های فرهنگی مواجه است.

بنابراین، برای درک بهتر چالش‌های هویتی نوجوانان تهرانی، لازم است که این مفاهیم میان‌فرهنگی و چندلایه بودن هویت به‌عنوان چارچوب‌های مکمل تحلیل شوند. این رویکردها، علاوه بر تأکید بر پیچیدگی و چندبعدی بودن هویت، نشان می‌دهند که حمایت‌های خانواده و مدرسه باید متناسب با این ویژگی‌ها تغییر کنند تا بتوانند به‌صورت مؤثری در تقویت هویت نوجوانان و کاهش تعارض‌های آنان نقش ایفا کنند.

بر این اساس، ساختارهای سنتی خانواده و مدرسه باید دچار تحول شوند تا بتوانند با پیچیدگی‌های فضای مجازی هماهنگ گردند و هویت نوجوانان را در چارچوبی متعادل و سالم پرورش دهند. تحلیل لایه‌ای علی، با ارائه تصویری چندبعدی از این پدیده، امکان طراحی سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی مؤثر را فراهم می‌آورد که هم ارزش‌های فرهنگی و سنتی را حفظ کند و هم فرصت‌های فضای مجازی را به نحوی بهره‌مندانه و ایمن برای نوجوانان مهیا سازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و آینده‌نگر، به‌منظور تحلیل چندبعدی و گفتمانی مسئله هویت نوجوانان تهرانی در بستر تحولات دیجیتال و تحولات نهادی، با بهره‌گیری از روش تحلیل لایه‌ای علی^۲ یا CLA انجام شده است. این روش که توسط آینده‌پژوه برجسته، سهیل عنایت الله (Inayatullah, 1998)، در بستر فلسفه پساپوزیتیویستی توسعه

داده شده، امکان کاوش هم‌زمان در سطوح عینی، نهادی، گفتمانی و فرهنگی پدیده‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد CLA بر خلاف روش‌های پیش‌بینی محور کلاسیک که اغلب بر روندهای سطحی و خطی تمرکز دارند، به تحلیل ساختارشکن و تفسیری از آینده‌ها می‌پردازد و یکی از محدود روش‌های آینده‌پژوهی است که تلفیقی از تحلیل انتقادی، روایت‌شناسی، گفتمان‌کاوی و تولید سناریوهای بدیل را درون یک چارچوب منسجم جای می‌دهد.

چهار سطح تحلیلی در این روش عبارت‌اند از:

سطح لیسانی که منعکس‌کننده برداشت‌های عمومی، اخبار و نمودهای آشکار پدیده‌ها در رسانه‌ها و زندگی روزمره است؛

سطح علی اجتماعی که به علل ساختاری، نهادی و سیاستی تأثیرگذار می‌پردازد؛

سطح جهان‌بینی/گفتمان که بنیان‌های فکری، ارزشی و ایدئولوژیک نظام‌های معنایی مسلط را آشکار می‌سازد؛

سطح اسطوره/استعاره که لایه‌های ناخودآگاه فرهنگی، نمادها و روایت‌های عمیق تاریخی را تحلیل می‌کند.

با توجه به هدف اصلی این مطالعه که بررسی آینده‌های ممکن هویت نوجوان تهرانی در تقاطع با خانواده، مدرسه و فضای مجازی است، روش CLA از آن‌رو انتخاب شد که درک واقعیت را صرفاً در سطح داده‌های عینی محدود نمی‌سازد، بلکه به بازسازی معنایی و فرهنگی پدیده و خلق سناریوهای بدیل و تحول‌گرا منجر می‌شود. جامعه پژوهش شامل چهار گروه کلیدی از کنشگران آموزشی و تربیتی در شهر تهران بوده‌اند:

نوجوانان در بازه سنی ۱۳ تا ۱۸ سال با سابقه تجربه زیسته عمیق در بستر شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آموزشی مجازی؛ والدین این نوجوانان که نقش مستقیم در سبک زیست دیجیتال آنان ایفا می‌کنند؛ مشاوران و روان‌شناسان مدارس با مواجهه مکرر با پیامدهای روانی و هویتی ناشی از فضای مجازی؛ معلمان مقاطع متوسطه با تجربه آموزش در دوران همه‌گیری کرونا و پساکرونا.

روش نمونه‌گیری در این تحقیق به صورت هدفمند و نظری بوده است، با رویکردی مبتنی بر گفتمان‌کاوی برخلاف نمونه‌گیری اشباع در نظریه زمینه‌ای، در این تحقیق تمرکز بر استخراج تنوع گفتمانی و روایت‌های چندلایه‌ای بوده است که هر یک لایه‌ای از تحلیل CLA را بازتاب دهند. معیار انتخاب مشارکت‌کنندگان بر اساس کفایت

معنایی و عمق تجارب زیسته آنان در ارتباط با موضوع پژوهش تعیین شده است. درمجموع، با ۱۸ نفر از چهار گروه مذکور مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت. این مصاحبه‌ها بر اساس راهنمایی طراحی شدند که چهار سطح تحلیلی CLA را پوشش می‌دادند. در سطح لیتانی، پرسش‌ها به برداشت‌های رایج از تأثیر فضای مجازی بر نوجوانان، نگرانی‌های عمومی و الگوهای رفتاری روزمره متمرکز بودند. در سطح علّی اجتماعی، به ساختارهای نهادی نظیر مدرسه، خانواده، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی و سیاستی پرداخته شد. سطح سوم، بر بازنمایی‌های گفتمانی مسلط درباره نوجوان، کنش تربیتی، کنترل والدین و آزادی فردی تمرکز داشت. درنهایت، سطح استعاره‌ای به تحلیل نمادها، روایت‌ها، اسطوره‌های فرهنگی درباره نوجوان «خوب»، «سرکش»، «دیجیتال‌زده» یا «منفعل» اختصاص یافت.

مصاحبه‌ها به‌طور میانگین بین ۴۵ تا ۷۰ دقیقه به طول انجامید و با رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان ضبط و پیاده‌سازی شدند. در کنار داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، مجموعه‌ای از اسناد و داده‌های رسانه‌ای به‌عنوان داده مکمل مورد تحلیل قرار گرفت. این داده‌ها شامل پست‌های اینستاگرامی نوجوانان، تبلیغات دیجیتال در بستر پلتفرم‌های بومی (شاد، روبیکا)، پیام‌های متداول والدین در گروه‌های مجازی و محتوای تولیدشده توسط نهادهای رسمی فرهنگی درباره نوجوان ایرانی بود. تحلیل این اسناد به تقویت لایه‌های لیتانی و استعاره‌ای کمک کرد.

فرایند تحلیل داده‌ها به‌صورت هم‌زمان با گردآوری آن‌ها انجام شد. ابتدا داده‌ها به روش کدگذاری باز تحلیل شدند، سپس در فرایندی تلفیقی، مفاهیم به سطح‌های چهارگانه CLA انتساب داده شدند. برای اعتبارسنجی تحلیل‌ها از روش بازبینی مشارکت‌کنندگان^۱ و تحلیل توافق بین‌رمزگذارها استفاده شد. همچنین، در برخی موارد، یافته‌ها با ادبیات نظری و نتایج پژوهش‌های مشابه بین‌المللی تطبیق داده شدند تا از اعتبار بیرونی^۲ اطمینان حاصل گردد.

درنهایت، یافته‌های تحلیل‌شده به طراحی سناریوهای بدیل در سه دسته سناریوهای مطلوب، محتمل و نامطلوب در بخش نهایی مقاله انجامید که می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی و آموزشی در حوزه نوجوانان باشد.

یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با گروه‌های مختلف کنشگران اجتماعی شامل نوجوانان، والدین، مشاوران و معلمان تهرانی نشان می‌دهد که در سطح لیتانی، بازنمایی مسئله هویت نوجوان در فضای مجازی، عمدتاً در چارچوب گفتمان‌های روزمره، عبارات احساسی و داوری‌های سطحی صورت می‌گیرد. این سطح، آن‌گونه که تحلیل لایه‌ای علی (CLA) تبیین می‌کند، نشانگر نوعی ادراک عامه‌پسند، بدون تحلیل ساختاری یا درک زمینه‌ای است. در این لایه، واقعیت اجتماعی بیشتر از خلال اضطراب‌ها و واگویه‌های فرهنگی بازتاب می‌یابد تا شناختی نظام‌مند و عقلانی.

بر اساس روایت‌ها، فضای عمومی گفتمان درباره نوجوان و فضای مجازی آکنده از گزاره‌هایی منفی، داورانه و گاه هشداردهنده است. عباراتی چون «نوجوان‌ها غرق فضای مجازی شده‌اند»، «اینستاگرام هویت را از بچه‌ها گرفته»، «مدرسه دیگر کارکرد ندارد» یا «هیچ حرف‌شنوی‌ای نمانده»، بارها در گفت‌وگو با والدین و معلمان تکرار شده است. این عبارات بیانگر نوعی گسست نسلی و ترس فرهنگی است که اغلب ریشه در ناتوانی بزرگسالان در هم‌فهمی با تجربه‌های دیجیتال نوجوانان دارد.

برای نمونه، یکی از والدین در توصیف فرزند نوجوان خود می‌گوید:

«پسرم صبح تا شب توی گوشی‌اشه. دیگه نه با ما حرف می‌زنه، نه با کسی رفت‌وآمد داره. انگار یه آدم دیگه شده».

یا یکی از معلمان دبیرستان با نگاهی انتقادی اظهار می‌دارد:

«شاگردام فقط دنبال فالوئر و لایکن. انگار کل شخصیتشون خلاصه شده توی اینستاگرام».

همچنین، مشاور مدرسه‌ای در منطقه ۵ تهران روایت می‌کند:

«اکثر والدین با اضطراب میان مشاوره. می‌گن بچه‌هاشون ارزش‌ها رو گم کردن، حرف‌شنو نیستن و دائم توی دنیای مجازی زندگی می‌کنن».

این نوع روایت‌ها بیش از آنکه تحلیلی باشند، منعکس‌کننده‌ی گفتمان محافظه‌کارانه‌ای هستند که بر فقدان نظم، انحطاط اخلاقی و ازهم‌گسیختگی اجتماعی تأکید دارد. به عبارت دیگر، سطح لیتانی در این مطالعه همچون آینه‌ای است که نوعی هراس فرهنگی از تغییرات نسلی و دیجیتال را بازتاب می‌دهد، بدون آنکه تلاشی برای تبیین علل ساختاری یا نظام‌های گفتمانی مؤثر بر این وضعیت انجام شود.

با تکیه بر مبانی نظری مقاله، این سطح از تحلیل را می‌توان بیانگر نخستین

مواجهه خانواده و مدرسه با پدیده «هویت چندلایه» و «میان‌فرهنگی» نوجوانان دانست؛ هویتی که در حال فاصله‌گیری از الگوهای فرهنگی سنتی و نزدیک‌شدن به تجربه‌های جهانی‌شده و دیجیتال است. فقدان درک نظری و فقدان سواد دیجیتال در میان والدین و مربیان، به شکل‌گیری این سطح سطحی از گفتمان دامن می‌زند و موجب می‌شود هویت‌یابی نوجوانان بیشتر به عنوان تهدیدی فرهنگی تلقی شود تا فرصتی برای بازسازی اجتماعی.

در سطح علی تحلیل، روایت‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها حاکی از آن است که شکل‌گیری هویت نوجوانان در بستر فضای مجازی، نه صرفاً محصول تجربه‌های فردی، بلکه تابعی از ساختارهای کلان‌تر اجتماعی، نهادی و فرهنگی است. در این سطح، کنشگران مختلف به ناکارآمدی ساختارهای موجود در پاسخ‌گویی به تحولات دیجیتال و گسترش فرهنگ مجازی اشاره کرده‌اند.

از یک‌سو، معلمان و مشاوران بر ناتوانی نظام آموزشی در هم‌سویی با زیست‌جهان دیجیتال نوجوانان تأکید داشتند. به‌ویژه ضعف برنامه‌ریزی آموزشی در زمینه سواد رسانه‌ای و تربیت دیجیتال، مدرسه را از ایفای نقش مؤثر در هدایت هویت‌یابی مجازی بازداشته است. یکی از معلمان با سابقه ۲۰ سال تدریس در دبیرستان‌های تهران اظهار داشت: «در حالی که ما هنوز به آموزش سنتی پایبندیم، دانش‌آموزان در دنیای دیگری زندگی می‌کنند. ابزار تربیتی ما برای دنیای دیجیتال ناکافی است».

از سوی دیگر، ساختار خانواده نیز به‌عنوان یکی از نهادهای کلیدی جامعه‌پذیری، دچار بحران مرجعیت شده است. کاهش اقتدار والدین، ضعف در گفت‌وگوی بین‌نسلی و فقدان الگوهای بومی برای تربیت رسانه‌ای موجب شده نوجوانان در فرآیند هویت‌یابی آنلاین، بیشتر متأثر از الگوبرداری جهانی و گفتمان‌های غالب در شبکه‌های اجتماعی باشند تا ارزش‌های بومی و ملی. همچنین، تحلیل‌ها نشان‌دهنده تأثیر نابرابری‌های ساختاری، به‌ویژه در دو حوزه مهم طبقه اجتماعی و جنسیت هستند. نوجوانان در خانواده‌های کم‌برخوردار، با محدودیت بیشتری در دسترسی به منابع دیجیتال، سواد رسانه‌ای و مدل‌های هویتی مواجه‌اند. در عین حال، دختران نوجوان به‌طور خاص در معرض تبعیض‌ها، کنترل‌های فرهنگی و خشونت‌های آنلاین قرار دارند که دامنه انتخاب‌های هویتی آن‌ها را محدودتر می‌سازد. در مجموع، این سطح از تحلیل نشان می‌دهد که تجربه نوجوان در فضای مجازی، در دل ساختارهایی شکل می‌گیرد که خود محصول تعامل پیچیده‌ای از نهادهای ناکارآمد، شکاف‌های اجتماعی و تضادهای

فرهنگی هستند؛ و بدون اصلاح این بسترها، امکان بازسازی هویت نوجوانان به گونه‌ای همساز با واقعیت‌های بومی و جهانی فراهم نخواهد شد.

در لایه جهان‌بینی و گفتمانی، تحلیل روایت‌ها حاکی از تعارض میان دو منظومه معنایی کلان در تفسیر هویت نوجوانان در عصر دیجیتال است. این دو گفتمان که در گفتار کنشگران مختلف به‌ویژه نوجوانان، والدین و معلمان بازتاب یافته‌اند، واجد بنیان‌های معرفت‌شناختی و ارزشی متفاوتی هستند که نوع نگاه به فاعلیت نوجوان و کارکرد فضای مجازی را به شکل بنیادین از یکدیگر متمایز می‌سازد.

نخست، گفتمان «هویت مراقبت‌محور» که عمدتاً از سوی والدین، مشاوران و بدنه رسمی مدرسه بازتولید می‌شود، بر حفظ ارزش‌های اخلاقی، هنجارهای سنتی و پابندی به نظم فرهنگی مألوف تأکید دارد. در این چارچوب، خانواده و مدرسه مسئول اصلی هدایت و مراقبت از نوجوان تلقی می‌شوند و فضای مجازی به عنوان تهدیدی برای بنیان‌های تربیتی، انسجام ارزشی و سلامت روانی نسل جدید بازنمایی می‌گردد. این گفتمان بر انضباط، تبعیت و کنترل استوار است و فاعلیت نوجوان را تا حد زیادی انکار می‌کند.

در مقابل، گفتمان «خودابرازی دیجیتال» که در میان نوجوانان، به‌ویژه دختران مشارکت‌کننده در این مطالعه برجسته بود، فضای مجازی را نه تهدید، بلکه فرصت تلقی می‌کند؛ فرصتی برای بیان فردیت، شکل‌دهی به سبک زندگی و بازتعریف هویت در قالب‌های ترکیبی و سیال. یکی از نوجوانان در این زمینه اظهار داشت:

«تو اینستا می‌تونم خودم باشم؛ مدرسه فقط می‌خواد ما رو کنترل کنه».

این گفتمان بر استقلال، تجربه‌زیستی و تولید معنا توسط فاعل نوجوان تأکید دارد و بازتابی از پارادایم‌های پست‌مدرن هویت است که از چارچوب‌های ثابت، همگون و ازپیش‌تعیین‌شده فاصله می‌گیرند.

تقابل این دو گفتمان، به شکل‌گیری شکاف معرفت‌شناختی عمیقی میان نسل‌ها انجامیده است. در حالی که والدین و معلمان بر بازتولید هویت‌های سنتی و تثبیت‌شده اصرار دارند، نوجوانان در پی ساختن هویت‌هایی چندگانه، متکثر و متأثر از جریان‌های فراملی هستند. این شکاف نه تنها به تضادهای بین‌نسلی دامن می‌زند، بلکه پرسش‌های اساسی درباره کارکردهای نهادهای تربیتی، معنا و مرجعیت هویت فرهنگی در عصر دیجیتال را مطرح می‌سازد.

در لایه استعاره / اسطوره نقشه‌های پنهان ناخودآگاه فرهنگی در بازنمایی هویت نوجوان مشهود است. تحلیل روایت‌های استخراج‌شده از گفت‌وگو با کنشگران

مختلف، در لایه استعاره‌ای/اسطوره‌ای، سه تصویر استعاری غالب را نمایان می‌سازد که حامل معانی ژرف فرهنگی، روانی و تاریخی درباره نوجوان، مدرسه و خانواده‌اند. این استعاره‌ها صرفاً ابزارهای زبانی نیستند، بلکه به‌مثابه نقشه‌هایی ناخودآگاه برای تفسیر تجربه زیسته نوجوان در جهان مجازی عمل می‌کنند.

نوجوان به‌مثابه «مسافر بین‌جهانی»: در بسیاری از اظهارات نوجوانان، آن‌ها خود را در حال عبور از مرزهای سنت و مدرنیته، واقعیت و مجاز، مدرسه و شبکه‌های اجتماعی می‌دیدند. این استعاره که فراتر از «کاوشگر دیجیتال» عمل می‌کند، نوجوان را در جایگاه یک برساخته‌گر هویت سیال قرار می‌دهد که مرزهای فرهنگی را درمی‌نورد و با هر کلیک، از یک جهان به جهان دیگر سفر می‌کند. این مسافر، گاه جسور و خلاق و گاه گم‌گشته و بی‌جهت است؛ ترکیبی از قهرمان و قربانی.

مدرسه به‌مثابه «قلعه متروک»: روایت‌های معلمان و نوجوانان، مدرسه را مکانی خالی از حیات، بی‌ارتباط با واقعیت روز و ایزوله از جهان بیرون توصیف می‌کردند. این استعاره از «دیوار خاموش» فراتر می‌رود و مدرسه را همانند قلعه‌ای نشان می‌دهد که زمانی مرکز قدرت و هدایت بود، اما اکنون در غبار زمان و فناوری دفن شده و صدای نوجوانان در آن پژواکی نمی‌یابد.

خانواده به‌مثابه «چراغی در مه»: در گفت‌وگوهای والدین و مشاوران، خانواده نقشی نامرئی اما حاضر را ایفا می‌کرد؛ مرجعی مبهم که گاه راه را روشن می‌سازد و گاه در مه دیجیتال گم می‌شود. این استعاره، فاصله عاطفی و معرفت‌شناختی میان نسل‌ها را به‌خوبی بازتاب می‌دهد و وضعیت خانواده را میان حضور و غیاب، هدایت و انفعال معلق می‌سازد. در دل این استعاره‌ها، اسطوره‌هایی فرهنگی تنیده شده‌اند: نوجوان دیجیتال همچون پرامته‌ای نوین که آتش آگاهی را از جهان مجازی ربوده و نظم قدیم را به چالش می‌کشد؛ مدرسه به‌سان کهن‌دژ فراموش‌شده‌ای که دیگر نمی‌تواند حامی قهرمان باشد؛ و خانواده، همچون روحی سرگردان در برزخ میان اقتدار و انفعال. این لایه استعاری، لایه‌ای بنیادین از گفتمان اجتماعی را عیان می‌کند؛ جایی که زبان، تخیل و ترس‌های جمعی در قالب تمثیل‌هایی معنادار، به بازآفرینی رابطه نوجوان، فناوری، آموزش و سنت می‌پردازند.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که تحولات هویتی نوجوانان در مواجهه با فضای مجازی، نه صرفاً محصول عوامل بیرونی مانند فناوری، آموزش یا خانواده، بلکه ریشه در لایه‌های گفتمانی، فرهنگی و اسطوره‌ای جامعه دارد. نهادهای سنتی تربیت یعنی

مدرسه و خانواده که بر یکپارچگی و ثبات هویت تأکید می‌کنند، همچنان در مقابل سیالیت و چندوجهی بودن هویت نوجوانان که در جهان مجازی به مثابه «کاوشگرانی دیجیتال» در حال جستجو، آزمون سبک‌های زیست و بازتعریف خویش‌اند، مقاومت می‌کنند.

این شکاف معرفتی و فرهنگی را می‌توان به مثابه پرتگاهی دانست که دو نسل را از هم جدا کرده است؛ نسلی که مدرسه و خانواده را به دیوارهای خاموش و سایه‌های دور تشبیه می‌کند و نسلی که فضای مجازی را به سرزمینی بی‌مرز و فرصت‌ساز تبدیل کرده است. این اختلافات ریشه در لایه‌های عمیق جامعه ایرانی دارد و از همین رو، چالشی بنیادی برای سیاست‌گذاری‌های تربیتی آینده به شمار می‌رود.

تحلیل لایه‌ای علی (CLA) نشان می‌دهد که بحران هویت نوجوانان، پدیده‌ای چندلایه است؛ در سطح لیتانی، گفتمان عمومی از «هجوم فضای مجازی» و «فروپاشی تربیت سنتی» سخن می‌گوید، اما به عمق ماجرا نمی‌پردازد. در لایه ساختاری، مدرسه و خانواده ابزارهای خود برای تعامل با جهان دیجیتال را از دست داده‌اند و به روز نشده‌اند. نظام آموزشی همچنان بر کنترل و انضباط متمرکز است، در حالی که نوجوان امروز نیازمند مشارکت و فرصت تجربه است. خانواده نیز به دلیل فاصله نسلی و ضعف در سواد رسانه‌ای، از مرجعیت تربیتی دور شده است.

در لایه گفتمانی، دو جهان‌بینی متضاد شکل گرفته است؛ گفتمان بزرگسالانه «مراقبت و کنترل» و گفتمان نوجوانانه «خودابرازی و استقلال» که بدون گفت‌وگوی میان‌نسلی به شکافی عمیق تبدیل شده است. در نهایت، لایه استعاره و اسطوره، تصویرهای نمادینی از نوجوان (کاوشگر دیجیتال)، مدرسه (دیوار خاموش) و خانواده (سایه‌ای دور) را آشکار می‌سازد که نشان‌دهنده ناخودآگاه جمعی و بازتاب ترس‌ها و امیدهای فرهنگی هستند.

اگر بخواهیم آینده‌ای متفاوت و سازنده برای هویت نوجوانان ایرانی بسازیم، باید در این لایه‌های عمیق تحول ایجاد کنیم؛ استعاره‌ها را بازتعریف کنیم، گفتمان‌ها را بازآفرینی نماییم، ساختارها را بازمهندسی کنیم و روایت‌های عمومی را نوین کنیم.

بر اساس این تحلیل، سه سناریوی آینده برای تعامل خانواده، مدرسه و فضای مجازی ترسیم می‌شود که نه پیش‌بینی، بلکه امکان‌هایی هستند برای طراحی کنش‌های آینده‌ساز:

۱. سناریوی تداوم شکاف (سناریوی تاریک): شکاف میان نسل‌ها و نهادهای تربیتی تعمیق می‌یابد؛ مدرسه ساختار سنتی را حفظ می‌کند، خانواده‌ها نقش

حمایتی خود را از دست می‌دهند و نوجوانان به طور کامل به فضای مجازی پناه می‌برند. هویت نوجوانان قطعه‌قطعه و ناپایدار می‌شود و جامعه دچار ازهم‌گسیختگی فرهنگی و بحران‌های روانی می‌شود.

۲. سناریوی تطابق حداقلی (سناریوی خاکستر): نهادهای سنتی تغییراتی سطحی انجام می‌دهند؛ آموزش سواد رسانه‌ای محدود است، مدرسه به صورت گزینشی از فناوری بهره می‌برد و خانواده‌ها نظارت حداقلی دارند. هویت نوجوانان میان سنت و مدرنیته در نوسان است، اما تحول بنیادین رخ نمی‌دهد.

۳. سناریوی بازتعریف گفتمانی و توانمندسازی نهادی (سناریوی مطلوب): مدرسه به نهادی یادگیری‌محور، مشارکتی و فرهنگی تبدیل می‌شود که نوجوان را فاعل خلاق می‌بیند. خانواده با ارتقای سواد رسانه‌ای و تقویت ارتباط میان‌نسلی نقش حمایتی خود را بازیابی می‌کند. گفتمان مسلط از کنترل به همراهی و خودآگاهی تغییر می‌کند و استعاره نوجوان به‌مثابه کاوشگر، هم‌زمان با جهت‌یابی و معنا همراه می‌شود. هویت نوجوانان در این مسیر چندوجهی، سیال و معنادار شکل می‌گیرد.

در مجموع، یافته‌ها نشان دادند که بحران هویت نوجوانان در فضای مجازی پدیده‌ای چندلایه و پیچیده است که نیازمند بازنگری در ساختارهای تربیتی، گفتمان‌ها و فرهنگ جامعه می‌باشد و برای مواجهه مؤثر با آن، تغییرات بنیادین در سیاست‌ها و رویکردهای آموزشی ضرورت دارد.

نتیجه‌گیری

در عصر کنونی، فضای مجازی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادی و تأثیرگذار در فرآیند شکل‌گیری هویت نوجوانان مطرح است. این پدیده نه‌تنها ابعاد نوینی از تعاملات اجتماعی، فرهنگی و روانی را به همراه دارد، بلکه زمینه‌ساز چالش‌ها و فرصت‌های پیچیده‌ای در حوزه هویت‌یابی نسل جوان شده است. یافته‌های این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل لایه‌ای علی (CLA) نشان می‌دهد که رابطه میان خانواده، مدرسه و فضای مجازی در شکل‌گیری هویت نوجوانان ایرانی را نمی‌توان صرفاً در سطح رفتارهای مشاهده‌شده تحلیل کرد، بلکه باید در سطوح ساختاری، گفتمانی و استعاری نیز مورد توجه قرار گیرد تا بتوان عمق و گستره تأثیرات متقابل این نهادها و فضای مجازی را درک کرد.

در سطح نخست (سطح لیثانی)، نتایج پژوهش حاکی از آن است که خانواده به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی در فرایند هویت‌یابی نوجوانان، همچنان نقش محوری و غیرقابل انکاری ایفا می‌کند. خانواده‌هایی که دارای سطح بالاتری از سواد دیجیتال و دانش رسانه‌ای هستند، قادرند با اتخاذ شیوه‌های فرزندپروری دموکراتیک و مشارکتی، نوجوانان خود را به شکلی مؤثر در مواجهه با فضای مجازی حمایت کنند. این حمایت نه تنها از طریق نظارت مستقیم، بلکه از طریق گفتگو و تقویت مهارت‌های خودتنظیمی و تفکر انتقادی در نوجوانان صورت می‌گیرد. این یافته‌ها همسو با مطالعات موسوی و فراهانی (۱۴۰۰) و فرهادپور و همکاران (۲۰۲۲) است که نشان داده‌اند کیفیت روابط خانوادگی و سطح دانش والدین در حوزه فناوری‌های نوین، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش آسیب‌های روانی و اجتماعی ناشی از فضای مجازی دارد. از منظر نظری، این نتایج با دیدگاه (Erikson, 1968) در مورد اهمیت نقش خانواده در مرحله هویت‌یابی و نظریه‌های (Marcia, 1980) که بر چالش‌های هویتی و نقش حمایت اجتماعی تأکید دارد، تطابق قابل ملاحظه‌ای دارد.

اما در لایه دوم (سطح ساختاری)، پژوهش نشان می‌دهد که نظام آموزشی ایران به‌ویژه مدارس، هنوز نتوانسته‌اند به شکلی همگام با تغییرات سریع فناوری و گسترش فضای مجازی، نقش مؤثر و هویت‌سازی خود را بازتعریف کنند. فقدان برنامه‌های آموزشی جامع در حوزه سواد رسانه‌ای و دیجیتال، کمبود آموزش مهارت‌های زندگی و عدم انسجام در سیاست‌گذاری‌های تربیتی، موجب شده است که مدارس به‌عنوان یک فضای حمایتی و هویت‌ساز نتوانند پاسخگوی نیازهای نوجوانان باشند. این کاستی‌ها، نوجوانان را در تقابل میان ارزش‌ها و الگوهای سنتی مدرسه و هویت‌های پویا و چندلایه فضای مجازی قرار داده است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش کریمی‌پور (۱۴۰۲) و مطالعات جهانی همچون (Eynon & Helsper, 2013) و (Boyd, 2014) که به ناکارآمدی نظام آموزشی در مواجهه با چالش‌های فضای مجازی اشاره دارند، هم‌راستا است. از منظر جامعه‌شناسی، این موضوع در چارچوب نظریه ساختار و عمل (Giddens, 1984) قابل تحلیل است که در آن نظام‌های آموزشی به‌عنوان ساختارهای اجتماعی، در برابر تغییرات فناورانه واکنش‌های محافظه‌کارانه نشان می‌دهند و این امر موجب تعارض میان ساختارهای موجود و کنش‌های جدید نوجوانان می‌شود.

لایه سوم تحلیل، یعنی سطح گفتمانی، به بررسی معناها، روایات و الگوهای فرهنگی-اجتماعی می‌پردازد که در ارتباط با هویت نوجوانان و فضای مجازی شکل

گرفته است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نوجوانان ایرانی در مواجهه با فضای مجازی، هویت‌هایی چندلایه، پویا و سیال را تجربه می‌کنند که این هویت‌ها به‌طور مداوم در حال تغییر و بازتعریف هستند. این ویژگی هویت نوجوانان، بازتابی از وضعیت پیچیده مدرنیته و جهانی شدن در ایران است که از یک سو با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی محلی و سنتی در تعامل است و از سوی دیگر تحت تأثیر فرهنگ جهانی و دیجیتال قرار دارد. این نتایج تأیید می‌کند نظریه «هویت سیال» زیگمونت باومن (۲۰۰۰) که بر تغییر مستمر و گسست از هویت‌های ثابت و پایدار تأکید دارد، یکی از چارچوب‌های تحلیلی بسیار مناسب برای فهم این پدیده است. همچنین این یافته‌ها با پژوهش‌های اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۸) و محمدی (۱۴۰۱) مبنی بر پیچیدگی هویت میان‌فرهنگی و چندلایه نوجوانان ایرانی هم‌راستا است.

درنهایت، لایه چهارم (سطح استعاره و اسطوره) به نمادها، باورها و داستان‌های بنیادینی می‌پردازد که در پشت پرده گفتمان‌های هویتی قرار دارند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مفاهیمی مانند «آزادی»، «کنترل»، «پذیرش اجتماعی» و «تضاد میان سنت و مدرنیته» به‌عنوان استعاره‌های اصلی در گفتمان نوجوانان ایرانی درباره فضای مجازی و هویت‌شان برجسته‌اند. این استعاره‌ها نمایانگر تنش‌ها و تضادهای عمیق اجتماعی و فرهنگی هستند که نوجوانان در فضای مجازی تجربه می‌کنند. به عبارتی، فضای مجازی نه‌تنها عرصه‌ای برای بروز خلاقیت و خودبیانگری است، بلکه میدان جنگی برای مواجهه با فشارهای اجتماعی، انتظارات فرهنگی و سیاست‌های کنترلی خانواده و مدرسه محسوب می‌شود. این تفسیر بر اهمیت فهم لایه‌های عمیق‌تر فرهنگ و گفتمان‌های اجتماعی در تحلیل مسائل هویتی تأکید می‌کند.

بر پایه این تحلیل‌های چندلایه، می‌توان نتیجه گرفت که مواجهه با چالش‌های هویت‌یابی نوجوانان در عصر دیجیتال نیازمند رویکردی جامع، چندبعدی و آینده‌نگر است. صرفاً تمرکز بر رفتارهای مشاهده‌شده یا اقدامات محدود در حوزه خانواده یا مدرسه نمی‌تواند پاسخگوی پیچیدگی‌های موجود باشد. ارتقای سواد دیجیتال و رسانه‌ای در میان والدین، معلمان و دانش‌آموزان باید در کانون سیاست‌های آموزشی و فرهنگی قرار گیرد. همچنین نظام آموزشی باید با بازطراحی برنامه‌های درسی، تقویت مهارت‌های خودتنظیمی، تفکر انتقادی و اخلاق دیجیتال، زمینه‌های هویت‌سازی متعادل و پایدارتری را فراهم سازد. از سوی دیگر، لازم است نهادهای فرهنگی و اجتماعی با درک صحیح از ابعاد استعاری و گفتمانی هویت نوجوانان، سیاست‌های

حمایتی و فرهنگی را به گونه‌ای طراحی کنند که فضای مجازی به عنوان فرصت توسعه فردی و اجتماعی برای نوجوانان تلقی شود و نه صرفاً منبع تهدید و آسیب. این رویکرد می‌تواند به تقویت سرمایه اجتماعی، انسجام فرهنگی و توانمندسازی نسل جوان در مواجهه با تحولات سریع فناوری کمک کند. در مجموع، پژوهش حاضر با ارائه تصویری چندلایه از تعامل پیچیده میان خانواده، مدرسه و فضای مجازی، اهمیت توجه به ابعاد گوناگون و متداخل فرایند هویت‌یابی نوجوانان را در جامعه ایرانی برجسته کرده است. این نتایج می‌تواند مبنای طراحی سیاست‌های آموزشی، فرهنگی و پژوهشی قرار گیرد که با رویکردی جامع و علمی به مسئله هویت نوجوانان در فضای دیجیتال بپردازند و راهکارهای نوین و اثربخشی ارائه نمایند.

پیشنهاها

با توجه به نتایج و تحلیل‌های ارائه‌شده در این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آتی با تمرکز ویژه بر تعاملات پیچیده میان خانواده، مدرسه و فضای مجازی در شکل‌گیری هویت نوجوانان، ابعاد بیشتری از این فرایند چندلایه را مورد بررسی قرار دهند. نخست، مطالعات آینده می‌توانند با نمونه‌های گسترده‌تر و متنوع‌تر جغرافیایی و فرهنگی، به تعمیم‌پذیری یافته‌ها کمک کنند و تفاوت‌های منطقه‌ای و فرهنگی در نحوه مواجهه نوجوانان با فضای مجازی را دقیق‌تر تحلیل نمایند. همچنین، پژوهش‌های کیفی و ترکیبی با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و مطالعات میدانی می‌توانند لایه‌های پنهان‌تر گفتمانی و استعاری هویت را آشکارتر کنند و ابعاد روان‌شناختی و فرهنگی این تعاملات را به‌طور جامع‌تری تبیین نمایند. علاوه بر این، توصیه می‌شود که تحقیقات آینده به بررسی تأثیرات متقابل سطح سواد دیجیتال والدین و معلمان با ویژگی‌های شخصیتی و روانی نوجوانان بپردازند تا سازوکارهای حمایتی مؤثرتر در مواجهه با چالش‌های فضای مجازی شناسایی شود. همچنین ضرورت دارد که پژوهش‌های آینده به‌طور خاص نقش نظام آموزشی را در تربیت سواد رسانه‌ای و مهارت‌های خودتنظیمی دیجیتال با رویکردی مبتنی بر فناوری‌های نوین مورد بررسی قرار دهند تا بتوانند چارچوب‌های نوینی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی طراحی کنند. درنهایت، با توجه به اهمیت گفتمان‌های فرهنگی و استعاره‌های موجود، پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده از منظر جامعه‌شناسی فرهنگی و تحلیل گفتمان، به بررسی نحوه شکل‌گیری این نمادها و تأثیر آن‌ها بر رفتارهای نوجوانان و سیاست‌های اجتماعی

آینده‌پژوهی عوامل مؤثر بر هویت نوجوان تهرانی [...] |

پرداخته و راهکارهای فرهنگی برای کاهش تعارضات هویتی و تسهیل همزیستی میان هویت‌های سنتی و مدرن را ارائه کنند. این رویکردهای پژوهشی می‌توانند به تعمیق دانش ما درباره پیچیدگی‌های هویت نوجوانان در بستر فضای مجازی و نهادهای اجتماعی کمک کرده و زمینه‌ساز بهبود سیاست‌ها و مداخلات هدفمند شوند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Saeid Gholami  <https://orcid.org/0009-0007-5847-7281>



منابع و مأخذ

- اسماعیلی، مهناز و همکاران (۱۳۹۸). هویت چندلایه نوجوانان در فضای مجازی: مطالعه موردی شبکه‌های اجتماعی. *مجله علوم اجتماعی*، ۱۵ (۴)، ۴۲-۶۱.
- حسن‌زاده، مجتبی و فریبا نجفی (۱۳۹۸). بررسی تأثیر فضای مجازی بر هویت نوجوانان شهر تهران. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۰ (۴)، ۳۳-۵۶.
- حسینی، مهدی و علی کاظمی (۱۳۹۹). نقش خانواده در مدیریت استفاده نوجوانان از فضای مجازی. *علوم تربیتی معاصر*، ۹ (۲)، ۱۲-۳۱.
- رضایی، ناهید، پورمحمدی، زهرا و مهناز فلاحتی (۱۴۰۰). نقش خانواده در مدیریت تربیتی نوجوان در عصر دیجیتال. *مطالعات خانواده و فرهنگ*، ۶ (۲)، ۹۱-۱۱۰.
- صیادی، محمد (۱۳۹۹). تحلیل لایه‌لایه علی و امکان آینده‌پژوهی در حوزه امر سیاسی. *سیاستگذاری عمومی*، ۶ (۲)، ۱-۲۲.
- فرهادپور، الهام، سادات کیا، سمیه و محمدرضا نادری (۱۴۰۱). رابطه سبک‌های فرزندپروری و هویت دیجیتال نوجوانان. *روان‌شناسی تربیتی*، ۱۰ (۲)، ۱۵۰-۱۷۵.
- کریمی‌پور، سمانه (۱۴۰۲). نقش مدرسه در تقویت هویت نوجوانان در عصر دیجیتال. *آموزش و پرورش*، ۲۵ (۱)، ۸۹-۱۰۳.
- محمدی، زهرا (۱۴۰۱). آینده‌پژوهی آموزش و پرورش ایران با رویکرد تحلیل لایه‌ای علی. *آینده‌پژوهی*، ۵ (۳)، ۲۵-۴۷.
- محمدی، محمدفراز، حسینی، محمدحسین و نازنین رضایی (۱۴۰۲). تأثیر فضای مجازی بر هویت نوجوانان ایرانی. *پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی*، ۱۸ (۱)، ۱۲۰-۱۴۲.
- ملکی‌زاده، سارا و رضا شاهی (۱۴۰۱). تأثیر فضای مجازی بر روابط خانوادگی و شکل‌گیری هویت. *روانشناسی اجتماعی ایران*، ۱۲ (۳)، ۵۷-۷۴.
- موسوی، محمدرضا و علی فراهانی (۱۴۰۰). چالش‌های خانواده ایرانی در مواجهه با فناوری‌های نوین. *مطالعات اجتماعی*، ۱۲ (۲)، ۵۵-۷۳.
- نیازی، محسن (۱۴۰۲). آینده‌پژوهی ریسک اجتماعی در ایران با رویکرد تحلیل لایه‌ای علی. *آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی*، ۴ (۱)، ۷۷-۹۶.
- Ahmadi, M., Ghorbani, S., & Ebrahimi, Z. (2022). The impact of school environment on adolescents' digital identity formation in Iran. *Educational Research Quarterly*, 45(3), 201-219.
- Amini, M., & Nazari, S. (2020). The digital identity crisis among Iranian adolescents: Cultural conflicts in virtual spaces. *Journal of Middle Eastern Youth Studies*, 12(3), 145-162.
- Bauman, Z. (2000). *Liquid Modernity*. Polity Press. 10.5565/rev/athenead/v1n0.10

- Bauman, Z. (2001). *Identity in the Globalizing World*. Polity Press.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95. 10.1177/0272431691111004
- boyd, d. (2014). *It's Complicated: The Social Lives of Networked Teens*. Yale University Press. 10.12987/9780300166439
- Castells, M. (2010). *The Rise of the Network Society* (2nd ed.). Wiley-Blackwell. 10.1007/978-3-658-21742-6_25
- Coleman, J. C., & Hendry, L. B. (1999). *The Nature of Adolescence* (3rd ed.). Routledge.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113(3), 487-496. 10.1037/0033-2909.113.3.487
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and Crisis*. W. W. Norton & Company.
- Esmacili, M., et al. (2019). The multilayer identity of adolescents in cyberspace: A case study of social networks. *Journal of Social Sciences*, 15(4), 42-61. [In Persian]
- Farhadpour, E., Sadatkia, S., & Naderi, M. (2022). The relationship between parenting styles and adolescents' digital identity. *Educational Psychology*, 10(2), 150-175. [In Persian]
- Fuchs, C. (2014). *Social Media: A Critical Introduction*. SAGE.
- Giddens, A. (1984). *The Constitution of Society*. University of California Press.
- Giddens, A. (2002). *Runaway World: How Globalisation is Reshaping Our Lives*. Profile Books.
- Hasanzadeh, M., & Najafi, F. (2019). Investigating the impact of cyberspace on the identity of adolescents in Tehran. *Applied Sociology*, 30(4), 33-56. [In Persian]
- Helsper, E. J., & Eynon, R. (2013). Distinct skill pathways to digital engagement. *European Journal of Communication*, 28(6), 696-713. 10.1177/0267323113499113
- Hobbs, R. (2010). *Digital and Media Literacy: A Plan of Action*. Aspen Institute.
- Hosseini, M., & Kazemi, A. (2020). *The role of the family in managing adolescents' use of cyberspace*. *Contemporary Educational Sciences*, 9(2), 12-31. [In Persian]
- Inayatullah, S. (1998). Causal layered analysis: Poststructuralism as method. *Futures*, 30(8), 815-829.
- Javadi, H., & Esmacili, A. (2022). Challenges of digital literacy education in Iranian high schools. *Educational Technology & Society*, 25(1), 88-102.
- Karimipour, S. (2023). *The role of schools in strengthening adolescent identity in the digital age*. *Education*, 25(1), 89-103. [In Persian]
- Koltay, T. (2011). The media and the literacies. *Media, Culture & Society*, 33(2), 211-221. 10.1177/0163443710393382
- Livingstone, S. (2018). *The Class: Living and Learning in the Digital Age*. NYU Press. 10.18574/nyu/9781479884575.001.0001

- Livingstone, S., & Smith, P. K. (2014). Harms experienced by children online. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 55(6), 635-654. 10.1111/jcpp.12197
- Malekizadeh, S., & Shahi, R. (2022). The impact of cyberspace on family relationships and identity formation. *Iranian Journal of Social Psychology*, 12(3), 57-74. [In Persian]
- Marcia, J. E. (1980). Identity in adolescence. In J. Adelson (Ed.), *Handbook of Adolescent Psychology* (159-187). Wiley.
- Milojević, I., & Bell, W. (2018). The futures of education: CLA applications. *Journal of Futures Studies*, 22(4), 41-56.
- Mohammadi, M. (2022). Futures studies of Iran's education system using the Causal Layered Analysis approach. *Futures Studies*, 5(3), 25-47. [In Persian]
- Mohammadi, M. F., Hosseini, M. H., & Rezaei, N. (2023). The impact of cyberspace on the identity of Iranian adolescents. *Cultural and Social Research*, 18(1), 120-142. [In Persian]
- Mousavi, M. R., & Farahani, A. (2021). Challenges of Iranian families in facing modern technologies. *Social Studies*, 12(2), 55-73. [In Persian]
- Nguyen, A.-M. D., & Benet-Martínez, V. (2021). Biculturalism and adjustment: A meta-analysis. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 52(8), 616-635. 10.1177/0022022111435097
- Niazi, M. (2023). *Futures studies of social risk in Iran using the Causal Layered Analysis approach. Futures Studies of the Islamic Revolution*, 4(1), 77-96. 20.1001.1.27173674.1402.4.1.2.7 [In Persian]
- Ramos, J. (2013). Futures thinking in Asia and the Pacific: Why foresight matters. UNESCO. <http://dx.doi.org/10.22617/TCS200126-2>
- Rezaei, N., Pourmohammadi, Z., & Fallahi, M. (2021). The role of the family in the educational management of adolescents in the digital era. *Family and Culture Studies*, 6(2), 91-110. [In Persian]
- Sayyadi, M. (2020). *Causal Layered Analysis and the potential of futures studies in the political domain*. Public Policy, 6(2), 1-22. 10.22059/jppolicy.2020.77610 [In Persian]
- Turkle, S. (2011). Alone Together. Basic Books.
- Van Dijck, J. (2013). *The Culture of Connectivity*. Oxford University Press. 10.1093/acprof:oso/9780199970773.001.0001



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.